

شهرستانهای ایران

ترجمه آقای صادق هدایت

۳

۴۲ - شهرستان دارابگردرا	۴۲ - شهرستانی داراوکرت
دارا پسر دارا بنا نهاد ^۱	دارائی دارایان کرت .
۴۳ - شهرستان به شاپور (در	۴۳ - شهرستانی وبه شاهپوهر
فارس) را شاپور پسر اردشیر ساخت ^۲	شاهپوهرئی ارتشیران کرت .
۴۴ - شهرستان گور اردشیر	۴۴ - شهرستانی گور -
خوره را اردشیر پسر پاپک ساخت ^۳	ارتشیر - خوره ارتشیرئی پایکان کرت .
۴۵ - شهرستان توزک راهمای	۴۵ - شهرستانی توزک
چهر آزاد ساخت ^۴	همایئی چبهر آزانان کرت .
۴۶ - شهرستان هرمزد	۴۶ - شهرستانی اوهرمزد -
اردشیران وشهرستان رام هرمزد را هرمزد	ارتخشیران، شهرستانی رام - اوهرمزد ^۵
تکاور پسر شاپور ساخت ^۵	اوهرمزدئی تکئی شاهپوهران کرت .

- ۱ - طبری و حزه بنای دارابگردرا به دارای بزرگ پسر اردشیر بهمن نسبت میدهند .
- ۲ - حزه بنای بی شاپور را در فارس به شاپور اول پسر اردشیر نسبت میدهد در ترجمه حدود العالم (ص ۱۲۸) بنای بشاور به شاپور خسرو نسبت داده شده .
- ۳ - شهر گور - اردشیر - خوره در کارنامه و حزه و حدود العالم ذکر شده است .
- ۴ - شهری بنام توج - توز و یا طاووس در نزدیکی اردشیر خوره و کازرون وجود داشته .
- ۵ - طبری رام هرمزد را در خوزستان به هرمزد پسر شاپور نسبت میدهد حزه رام هرمزد و هرمزد اردشیر را به اردشیر اول نسبت میدهد .

۴۷ - شهرستان شوش و شوشتر

را شوشیندخت (شوشن) زن یزدگرد
پسر شاپور ساخت، زیرا او دختر
ریش گلوته پادشاه یهودیان و مادر بهرام
گور بود^۱.

۴۸ - شهرستان وندیبوک

شاپور و شهرستان - ایران خوره کرد
شاپور را شاپور پسر اردشیر ساخت، و
پلاپات (بیلاباد) نام نهاد^۲

۴۹ - شهرستان نهر تیره را

آزی دهاک پیشوای جادوگران (؟) دن
پادشاهی بیدادگرانه خود ساخت، را
زندان ایران شهر شد. نامش «زند و

۴۷ - شهرستان نئی شوس و

شوستر شوشیندخت زن نئی یزدکرت نئی
شاهپوهران کرت، چگون دوخت نئی
ریش کالوتک نئی بهوتان شاه ماتمه نئی
وهرام نئی گور بوت.

۴۸ - شهرستان نئی وندیبوک

شاهپوهر و شهرستان نئی اران - خوره -
کرت - شاهپوهر شاهپوهر نئی ارتشیران
کرت؛ وش پلاپات نام نیهات.

۴۹ - شهرستان نئی نهر - نیرک

به دو شخونایبه آزی دهاک بت نئی شپستان
کرت و زندان نئی ارانشتر بوت؛ زندان نئی

۱ - شهر شوش به اوستائی سوس بسیار قدیمی است و بعد پایتخت هخامنشیان

شده است. حمزه اسم رسمی آنرا ایران خره شاپور مینامد. در بلین نیز نام شوشتر ذکر
شده است؛ مررب آن تستر میباشد. حمدالله مستوفی بنای شوشتر را به هوشنگ نسبت میدهد
و میگوید پس از ویرانی اردشیر پاپکان این شهر را مرمت کرده است. احتمال میرود که
در شهر بزرگ شوش و شوشتر بسیاری یهودی مسکن داشته اند (حکایت استر و مردخای)
و آنها در زمان سلطنت یزدگرد اول که شوشن دخت دختر ریش کالوترا را بزنی گرفت
روزگار بهتری داشته اند ولی نسبت بنای شهر در اثر نفوذ شوشندخت افسانه عوامانه است.

۲ - وندیبوک شاپور دراصل و به انتبوک نئی شاهپوهر (انتاکیه شاپور بهتر است)

بوده مررب آن = جندی شاپور. پلاپات به اسوری بیت لاپات و در طبری بیل آپات آمده است.
گویا شهرستان ایران کرد شاپور نام دیگر همین شهر باشد؛ اسم رسمی آن کرخه
ده لادان که مررب آن الکرخ است میباشد.

اشکان نام بوت .

۵۰ - شهرستانی سمران

فریتونئی اتوبنان کرت وش مسورئی
 سمران شاه او زد وش زمیئی سمران او
 از (ئو) خویشیهئی ارانشتر آورت ، وش
 دشتئی تاجیک په خویشیه و آزاتیه
 به ئو بخت خوسروئی تاجیک شاه دات -
 پتوند دارشنئی خویش رای .

۵۱ - شهرستانی اراسپ (؟)

شاهپوهرئی ارتشیران کرت .

۵۲ - شهرستانی اسورئی

شهرستانئی ویه - ارتخشیر (ارتخشیر)ئی

اشکانیان^۱ بود .

۵۰ - شهرستان سمران (همیران)

را فریدون پسر اتوبین ساخت ، او مسور
 شاه سمران را بکشت و سرزمین سمران
 را باز به آن ایرانشهر (مملکت ایران)
 آورد ، و دشت تازیان را بدلیخواه خود
 بمناسبت پیوند خویشی به بخت خسرو
 پادشاه تازیان واگذار کرد^۲ .

۵۱ - شهرستان اراسپ (؟)

را شاپور پسر اردشیر ساخت^۳ .

۵۲ - شهرستان آشور که

شهرستان به اردشیر باشد (اردشیر)

۱ - نهر تیره که معرب آن نهر تیوی باشد حاکم نشین ناحیه ای بوده که بهمین
 اسم نامیده میشده و زندان دولتی مملکت ایران بوده است . گویا گرد آورنده این رساله
 شهر را بادر فراموشی اشتباه کرده است . فوست بیزانتین اسم زندان را (قنطره ؛) گذرت
 اندامشن درمحل دژ فول جدید مینویسد . آزی دهاک بنانهنده اساطیری بابل میباشد .

۲ - پیکار فریدون و همیر (اعراب) و نسبت پسرش با دختر پادشاه آنها در
 نسك ۱۲ اوسنا و دینکرد ذکر شده است . درمینو خرد مینویسد : « ماه فروردین روزها
 رود فریدون بغشش گیهان کرد . ۱۳ - اووم به سلم داد و تر کستان به نوز داد و ایرانشهر
 به ایرج . ۱۴ - و سه دختر بخت خسرو شاه تازیان بخواست و بزنی به پسران داد . » سمران
 یاسلان تحریف هومیران که معرب آن خمیر است میباشد . و در شاهنامه هماوران و
 هاماوران آمده است .

۳ - در اسناد تازیخی بنای چنین شهری به شاپور اول نسبت داده نشده حمزه شهر

ریما که شاد شاپور خوانده میشده باو نسبت میدهد آیا مخفف ایران استان شاپور و یا
 تحریف ایران آراست شاپور است ؟

پسر سیندباد ساخت؛ و او اوشك
مرزبان هكر (هكر) را برگزید (۴)
و برگزیده دریاچه تازیان (خلیج فارس؟)
بگماشت^۱.

۵۳ - شهرستان جی (اصفهان)
را الاسكندر گجسته (ملعون) پسر
فیلیپوس ساخت. جایگاه یهودیان آنجا
بود، چه یزدگرد پسر شاپور آنها را بخواهن
زن خود شوشیندخت به آنجا برد^۲

۵۴ - شهرستان ایران آسان
کرد کباد را پسر پیروز ساخت^۳

۵۵ - شهرستان اشكر (کاشغر؟)
را بهرام پسر یزدگرد (بهرام پنجم)
ساخت^۴

سیندیاتان کرت وش اوشكئی هكر
مرزبان گوندسر و بورگر به ورئی
تاجیکان بگمارت.

۵۳ - شترستان ئی کی گجستك
الاسكندرئی فیلیپوس کرت؛ مانشن ئی
یهوتان آنوبوتئی به خوتاییه یزدكرتئی
شاهپهران برت از خواهشن ئی
شوشیندوخت كشن زن بوت.

۵۴ - شترستان ئی اران -
آسان - کرت - کوات، کوات ئی
پیروزان کرت.

۵۵ - شترستان ئی اشكر و هرام
ئى یزدكرتان کرت.

۱ - بنای به اردشیرزا که معرب آن بهر سیر است عموماً به اردشیر اول نسبت
میدهند. شاید مقصود گرد آورنده اینست که آشور نام سابق به اردشیر پایتخت اسورستان
بوده است. کلمه او شك مشکوک است معرب آن اوس میباشد. در حدود العالم در ناحیه
ماوراءالنهر محلی را اوش مینامد و نام رود اوش و اورشت که به رود اوز کند میریزند
ذکر میکنند. هكر همان شهر هجر در بحرین میباشد معنی بر کرو گند سر در اینجا درست
معلوم نیست اگر گندسر بخواهیم مترادف گندسالار خواهد بود. دریاچه تازیان به احتمال
قوی ممکن است شط العرب باشد.

۲ - فرضی که بنای جی را در اصفهان به اسکندر نسبت میدهند بین اعراب عمومیت
دارد ولی سند تاریخی در دست نمیباشد. بقیده طبری و حمزه جی در زمان هخامنشیان
بنا شده و جز و قلمرو فارس بشما میآمده است.

۳ - ایران آسان کرد کباد یکی از ایالات ناحیه غربی بین گرمکان و نواردشیران
(ادیان) محسوب میشده (ایران شهر مار کوآرت دیده شود.)

۴ - اشكر مجهول است شاید کاشغر باشد معرب کسگر در اصل استان شاد
شاپور بوده است (ابن خرداد به و یاقوت)

[۴ - کوستئی آتورپاتکان]

۵۸ - به کوستئی آتورپاتکان
شزستانئی گنجک فراسیایکئی تور کرت.
۵۶ - شزستانئی آتورپاتکان
اران - کشنپئی آتورپاتکان سپاهیت
(کرت).

۵۷ - شزستانئی ون ونئی
گولخشان کرت و به زنیه ئوکی کوات
مت؛ و در پشتیهئی ارون داسپ (ارجاسپ)
تورئی براتروشئی کرب به یاتوکیه کرت
بنایکیهئی زنئی خویش رای.

[۴ - جانب آذربادگان]

۵۸ - در جانب آذربایگان
شزستان گنجه را افراسیاب تورائی
ساخت.

۵۶ - شزستان آذربادگان را
ایران کشنپ - سپهد آذربایگان ساخت.
۵۷ - شزستان وان را ون دختر

گلخشن (ولخش) ساخت و به زنی
کیقباد درآمد. و تور پسر براتروش
(براتروییا - رایشه) کرپان برای پناه
دادن زن خویش به جادوگری در پشقی
(استحکامات) ارون دسپ (ارجاسپ)
را ساخت.

- ۱ - متحمل است که گنجه اسم هخامنشی باشد و سردسیر پادشاهان ساسانی بوده بروایت مورخین عرب نزدیک لیلان در جنوب شرقی دریایه ارومیه (چیس - چیچست) بنا شده است معلوم نیست این شهر چگونه و بتوسط چه شخصی و بران گردیده. ذکر بنای گنجه توسط افراسیاب در یشتها آمده است.
- ۲ - شاید مقصود از حاکم نشین اتور پادگان اردبیل باشد که بزبان ارمنی ارت و می نامند. اسم ایران کشنپ از آتشکده مشهور گنجه آذر کشنپ گرفته شده است.
- ۳ - شهری بنام ون و دختر گلخشن که این اسم را داشته باشد شناخته نمیشود. (شهر و دریایه وان نزدیک ارومیه؟) طبق طبری کیقباد فرنگ دختر بیدرسارنیس قبایل ترک را گرفت. در زند آگاهی فرانیه دختر و درگا بوده است. تور براتروش کرپان به اوستائی براترویو رتسه (کسیکه برادر زاده خود را زخم بزند). این شخص قاتل زرتشت است. در زند و هومن یسن در سوم مینویسد: «اور مزد بدو (به زرتشت) گفت: «ای سپیتامان زرتشت! اگر ترا انوشه (بی مرک) بکنم، پس تور براتروش کرب بمرک بیاشد آنگاه رستاخیز و تن پسین کردن نشاید.» در فارسی به اشکال: برتروش و پوران تروش آمده است و او یکی از پنج برادران خانواده کرب از نسل خواهرمنوچهر میباشد و بموجب اسناد پارسیان زرتشت بدست او کشته میشود.

۵۹ - شهرستان آموی (تبرستان)
 را زندیق (مانوی) مرکباز (مزدك ؟)
 ساخت^۱
 ۶۰ - شهرستان ری را
 ساخت . زرتشت پسر سپیتامان از آن
 شهرستان بود^۲

۵۹ - شهرستانی آموی
 زندیقئی پر مرکب کرت .
 ۶۰ - شهرستانی ریه
 کرت ؛ زرتشتئی سپیتامان از آن شهرستان
 بوبت .

۱ - رود آموی (؟) آمل حاکم نشین تبرستان است این اسم از اهالی غیر ایرانی که بفرس قدیم مرده یا آمرده مینامیدند باین شهر گذاشته شده اسکندرز آنها را گوشمالی داد و مطیع ساخت و فرهاد اول اشکانی آنها را به چرکس در نزدیکی ساحل بحر خزر کوچ داد و اهالی غیر ایرانی دیگر از ناحیه تابران (توس) بجای ایشان مهاجرت کردند. مقصود از لغت زندیق مزدك پسر بامداد است که قباد اول و پسر بزرگش کیوس که به حکمرانی ایالات جنوب خزر رسید و عنوان پندشخوارگر داشت از او حمایت کردند بعد خسرو انوشه روان همه مزدکیان را با قساوت عجیبی قتل عام کرد . در نزد آگاهی فصل ۳۴ - ۲۷ ص ۲۱۵ چاپ انکلسر یا مینویسد : «در پادشاهی کباد مزدك بامدادان به پیدائی آمده داد (آئین) مزدکی نهاد ، کباد را بفریفت و شیفته کرد فرمود زن و فرزند و خواسته به همه و همگی باید داشت . و دین مزدیستان از کار بازداشت تا انوشه روان خسرو کبادان برگزیده شد و مزدك را بکشت . دین مزدیستان بیاراست و خیونان را که پیوسته به ایران شهر تاخت و تاز میکردند سر کوبید و راند ایران شهر را بی بیم ساخت .»

۲ - در ابتدای این بند اسم ری و بنا نهنده آن افتاده است . ری بفرس قدیم رغا به اوستائی رغا و بفارسی جدید ری نامیده شده (نسبت = رازی) نماینده مذهبی این ناحیه در زمان اسلام مسلمان (مه مغان) شاید مزمغان نامیده میشده که از لغت اوستائی مزمغان مشتق میشود . ری نزدیک تهران محل تولد زرتشت نبوده است زیرا استاد زودشتی محل تولد زودشت را در آذربایجان نزدیک دریاچه ارومیه (چیچست) نشان میدهد .

۶۱- شهرستان بغداد را ابو جعفر

(عبدالله المنصور) که ابودوانیق خوانند بنا کرد!

۶۲- به پیروزی انجامید،

۶۳- بخوشی و شادی و رامش

انجام گرفت!

۶۱- شهرستانی بکدات

ابوکافر چگونشان ابو - دوانیک خوانت کرت.

۶۲- به پیروزی همباریت

۶۳- فرجفت په شنوم، شاتیه

رامشن.

۱ - واضح است که این بند پس از مرگ خلیفه منصور افزوده شده چون بواسطه ظلم و تعدی و حرص و بغل او را ملقب به ابوالدوانیق کردند.

از میان بردن حس گرسنگی

یکی از پزشکان امریکائی در مقاله ای که اخیراً منتشر نموده اظهار میدارد جدارهای معده بواسطه فقدان غذا بایکدیگر تماس یافته و سبب ایجاد گرسنگی و احساس آن میشوند بنابراین اگر بتوان توسط تلمبه کوچکی از راه دهان مقداری هوا در معده وارد کرد تدریجاً جدارهای معده از یکدیگر دور شده در این حال و بدین ترتیب حس گرسنگی از میان میرود.

دو میوه از یک گیاه

یکی از روستائیان روسیه در نتیجه آزمایشهای دقیق توانست است گیاهی پروراند. خاصیت مهم این گیاه آنست که پس از رشد کافی در ریشه آن مقداری سیب زمینی و در شاخههاش گوجه فرنگی پدیدمی آید.

چهل و یک میلیون تخم از یک ماهی

بطور کلی معلوم شده است که ماهیهای سردین بیش از سایر ماهیان دریا تخم میگذازند چنانکه تخمهای یک ماهی سردین گاه به چهل و یک میلیون بالغ میگردد.